

تغذیه انسان و احکام پیرامون آن

خوردنیها و آشامیدنیها

﴿مسئله 3785﴾ حیوانات حلال گوشت عبارتند از:

- 1- از حیوانات دریایی، ماهی فلس دار - پولک دار - حلال است؛ ولو اینکه فلسهای آن موقع صید یا با عوارض دیگری ریخته باشد و همان طور که کارشناسان می دانند بعضی از ماهیها تنها فلسهای اطراف گوشه‌هایشان ظاهر است و ماهی بدون فلس حرام است همان طور که سایر حیوانات دریا مانند نهنگ، مارماهی، خرچنگ و قورباغه نیز حرامند. اما میگو در لسان روایات اسلامی «اریان»¹ نام دارد و حلال است، چون نوعی ماهی فلس دار است.
 - 2- از چهار پایان اهلی گوشت شتر، گاو و گوسفند حلال است و گوشت اسب، قاطر و الاغ مکروه است که مکروهیت اسب کمتر است.
 - 3- از پرندگان، گوشت آن دسته که چنگال دارند و درنده هستند مانند عقاب، باز، کرکس، شاهین، طاووس و خفاش حرام است و بنا بر احتیاط اگر اقوی نباشد گوشت انواع گلاغها هم حرام است، ولی گوشت پرندگان دیگر مانند کبوتر، کبک، تیهو، قطا، مرغ خانگی، مرغابی، لک لک، اردک، بوقلمون، شتر مرغ و انواع گنجشک حلال است. گوشت پرستو حلال است اگر چه کشتن آن مکروه است چون به انسان پناه آورده است و از خوردن گوشت همدیگر احتیاطاً اجتناب شود چون مسح شده حضرت سلیمان عَلَيْهِ السَّلَام است اگر چه دلیل قوی بر حرمت نیست.
- ﴿مسئله 3786﴾ اگر عضوی که دارای روح است از حیوان زنده جدا کنند مانند دنبه یا مقداری از

1. وسائل الشیعه، ج 4، باب 2، ابواب اطعمه محرمة، ح 5، ص 141.

گوشت حیوان حلال گوشت مانند گوسفند زنده را ببرند، نجس و حرام است.

﴿مسئله 3787﴾ خوردن اشیای زیر از حیوانات حلال گوشت پس از ذبح حرام است:

1- خون، 2- فضله، مدفوع، 3- نری و آلت تناسلی، 4- فرج و آلت مؤنث بودن و مادگی، 5- بچه‌دان و رحم، 6- تخم - دنبان، 7- انواع غده‌ها - دشول، 8- غده‌ای که به شکل نخود در مغز وجود دارد، 9- نخاع - مغز حرام - که در میان تیره پشت وجود دارد، 10- پی، در دو طرف تیره پشت قرار دارد، 11- زهره‌دان، 12- سپرز و طحال، 13- مثانه، 14- مردمک - عدسی و سیاهی چشم، 15- در بچه‌های قلب؛ ولی آن چیزی که در میان دست و پای حیوان است و از آن به ذات الاشاجع تعبیر می‌کنند، دلیلی بر حرمت یافته نشد اگر چه احتیاط در هر حال حسن است. این موارد پانزده گانه بعضی بلا اشکال حرام است، چون هم در نصوص روایی آمده و هم مورد اجماع واقع شده است و بعضی از آنها در روایات صحیح نیامده و مطابق آنها مشهور فتوا داده‌اند و بلکه مورد اجماع هم واقع شده است، به نظر می‌رسد احتیاط همان است که در این مسئله به آن اشاره شد و آن لزوم اجتناب از موارد پانزده گانه است و خوردن قلوها نیز مکروه است.

﴿مسئله 3788﴾ تخم حیوان دریایی حلال گوشت تابع همان حیوان و حلال و تخم حیوان حرام گوشت حرام است، بنابراین تخم ماهی حلال گوشت - خاویار - حلال است، اگر چه لزج و چسبنده باشد و تخم ماهی حرام گوشت حرام است، اگر چه سفت و زبر باشد. اگر در مواردی انسان شبیه کند که این تخم از قبیل حرام است یا حلال، در این صورت ملاحظه شود اگر لزج و چسبنده بود، از آن اجتناب شود و اگر سفت و زبر بود خوردن آن اشکال ندارد.

﴿مسئله 3789﴾ خوردن گوشت و شیر حیوانات نجس العین - سگ و خوک - و حیوانات سبُع و درنده مانند شیر، پلنگ، کفتار، گرگ، شغال، روباه، گربه و نیز حیواناتی که مسخ شده‌اند مانند خرس، فیل، بوزینه و خرگوش حرام است.

﴿مسئله 3790﴾ خوردن گوشت جانوران ریز، خزندگان و انواع حشرات حرام است مانند: مار، موش، سوسمار، مارمولک، خرچنگ، عقرب، سوسکها، زنبور، مورچه و مگس.

﴿مسئله 3791﴾ مواردی که در پرندگان بر حلال یا حرام بودن آنها تصریح نشده معمولاً از دو راه پرنده حلال گوشت از حرام گوشت شناخته می‌شود:

1- هنگام پرواز، بال زدن آنها از بال نزدنشان بیشتر باشد، بنابراین اگر در مواردی انسان شک کند که این پرنده حلال است یا حرام، باید نگاه به بال زدنش بکند اگر بال زدن از نزدن بیشتر بود، حلال و اگر نبود حرام است.

2- آن دسته از پرندگان که سنگدان یا چینه‌دان و یا انگشت جدایی مانند انسان دارند، حلال گوشت و آن دسته که اینها را ندارند حرامند.

﴿مسئله 3792﴾ اگر علایم مذکور هر دو جمع شدند و تعارض و تضادی میان آنها واقع نشد، همان طور که بعضی از اعظم فرموده‌اند، اشکالی پیش نمی‌آید، ولی اگر میان آنها تعارضی واقع

شود مثلاً پرنده‌ای است که بال زدنش بیشتر است، ولی چینه‌دان و سنگدان و انگشت اضافی ندارد و یا آنها را دارد ولی بال زدنش یعنی «دیف» آن از «صفیف» آن کمتر است، در این صورت علامت اول که در مسئله پیش گفته شد ملاک عمل خواهد بود.

«مسئله 3793» تخم پرندگان حلال گوشت حلال و تخم پرندگان حرام گوشت حرام است و در مواردی که بین حلال و حرام، مردد باشد، تخمهایی که دو طرف آنها مساوی است حرام و تخمهایی که یک طرف آنها - هر چند اندکی - از طرف دیگر باریک‌تر باشد، حلال است.

«مسئله 3794» حیوان حلال گوشت به سه دلیل حرام گوشت می‌شود و در اصطلاح فقها اینها را «مجرمات بالعرض» می‌نامند:

1- اگر حیوان جلال باشد؛ یعنی عادتاً خوراک آن مدفوع انسان شده باشد، در این صورت گوشت و شیر آن حرام است و علی‌الأحوط و جویبی از عرق، بول و مدفوع آن هم مادامی که استبراء نکرده است، باید اجتناب کرد.

2- خدای ناکرده انسانی یا چهار پا نزدیکی کند، در این صورت گوشت و شیر آن حرام می‌شود و بنا بر احتیاط از نسل آن هم باید اجتناب کرد، بول و مدفوع آن نیز نجس است و بنا بر احتیاط واجب باید از آن پرهیز شود.

3- اگر بره و بزغاله از شیر خوک آن قدر بخورد که رشد کند و استخوان آنها به وسیله شیر خوک محکم شود، در این صورت شیر، گوشت و نسل آنها حرام می‌شود و بنا بر احتیاط لازم و واجب از بول و مدفوع آنها هم باید اجتناب کرد.

«مسئله 3795» حیوانی که به خوردن مدفوع انسان عادت کرده است اگر بخواهند حلال و پاک شود واجب است آنرا استبراء کنند یعنی مدتی او را از خوردن مدفوع بازدارند و به آن غذای پاک بدهند، طوری که در نظر مردم دیگر به آن نجاست خوار نگویند و بنا به احتیاط واجب مدت استبراء شتر چهل روز، گاو بیست روز که بهتر است سی روز باشد، گوسفند ده روز، مرغابی پنج روز که بهتر است هفت روز باشد، مرغ خانگی سه روز و ماهی یک شبانه روز است.

«مسئله 3796» مرغ خانگی را وقتی که می‌خواهند سر ببرند و بخورند، مستحب است چند روزی آنرا در جایی نگاه دارند، سپس آنرا سر ببرند و از گوشتش استفاده کنند، اگر چه معلوم نباشد نجاست خوار بوده است.

«مسئله 3797» حیوانی که انسان - خدای ناکرده - با آن نزدیکی کرده است اگر مانند گوسفند و گاو است که معمولاً از شیر و گوشت آن استفاده می‌کنند واجب است بلافاصله آنرا بکشد و گوشت آنرا بسوزاند و قیمت آنرا - کسی که نزدیکی کرده - باید به صاحب آن حیوان اگر خود مالکش نباشد پردازد. ولی اگر از حیواناتی است که برای باربری یا سواری از آن استفاده می‌شود مانند اسب، الاغ و قاطر، واجب است آنرا به شهر دیگری ببرند و در آنجا به فروش برسانند و در این صورت هم اگر نزدیکی کننده مالک آن نباشد، باید پول آنرا به صاحبش پردازد.

﴿مسئله 3798﴾ حیوانی که انسان با آن نزدیکی کرده اگر با حیوان دیگری مشتبه شود، باید به قید قرعه آنرا مشخص کرد به این طریق که اول مجموع آنرا به دو قسمت می کنند و با قرعه یک نیمه را مشخص می کنند و بعد آنرا همین طور ادامه می دهند تا بالأخره با قرعه نهایی آن حیوان را مشخص می کنند.

﴿مسئله 3799﴾ خوردن هر چیزی که موجب هلاکت انسان شود یا برای انسان ضرر بدنی قابل توجه داشته باشد، ولو اینکه این ضرر موجب هلاکت و مرگ او نباشد، چه بدانند مضر است یا گمان داشته باشد و یا حتی احتمال بدهد، در صورتی که این احتمال قابل توجه در میان مردم و عقلاً باشد، حرام است.

﴿مسئله 3800﴾ خوردن، آشامیدن، تزریق یا استعمال دارو و چیزهای دیگر که برای بدن یا روح انسان ضرر قابل توجه دارد، حرام است مگر در موردی که در نظر پزشک متخصص و مورد اطمینان، درمان بیماری مریض منحصر به مصرف کردن آن باشد، در این صورت در حد ضرورت جایز است و در حقیقت با تحمل ضرر کمتر، ضرر بیشتر را از خود دور می سازد.

﴿مسئله 3801﴾ خوردن چیزهای نجس و چیز خبیث و پلیدی که طبع آدمیان به طور فطری از آن متنفر می شود، حرام است؛ ولی اگر آن چیز شرعاً نجس نبوده و پاک باشد و با حلال مخلوط شده و در آن مستهلک گردد طوری که عرفاً به حساب نیاید مثلاً گرد جزئی که با آرد مخلوط می شود، خوردن آن اشکالی ندارد.

﴿مسئله 3802﴾ فرو بردن آب بینی و اخلاط سینه که در دهان آمده، در صورتی که طبع انسان، از آن متنفر نباشد اشکال ندارد و فرو بردن غذایی که موقع خلال کردن دندانها بیرون می آید مانعی ندارد.

﴿مسئله 3803﴾ خوردن خاک و گل مطلقاً حرام است، ولی خوردن مقدار کمی از تربت امام حسین علیه السلام در حد و اندازه یک نخود متوسط برای شفا جایز است و نیز خوردن گل ارمنی و گل داغستان، در صورتی که معالجه و درمان منحصر به آنها باشد، اشکال ندارد، ولی به دلیل اینکه قدر متیقن از تربت امام حسین علیه السلام تربت قبر مطهر و شریف است و در این زمان چنین چیزی معلوم نیست و نیز به دلیل اینکه خوردن هر نوع خاک و گل حتی گل ارمنی و داغستان، طبق اصل اولی حرام و ممنوع است و جواز خوردن و استعمال آنها در موارد ضرورت است، احتیاط آنست که حتی تربت منسوب به امام حسین علیه السلام را با آب یا شربت و یا چیزهای دیگر مخلوط کنند و بخورند تا عنوان خوردن خاک و گل بر آنها صدق نکند.

﴿مسئله 3804﴾ خوردن و آشامیدن شراب و انواع مشروبات الکلی حرام است و در بعضی روایات اسلامی از بزرگترین گناهان محسوب شده است و چنانچه کسی بداند که آن در قرآن و سنت حرام است و خدا و رسولش و بلکه تمام پیامبران الهی آنرا حرام دانسته اند و در عین حال آنرا حلال بدانند و بداند که لازمه آن تکذیب خدا و رسول است، کافر است؛ همچنین از امام

صادق علیه السلام روایت شده است که فرمودند: شراب ریشه تمام بدیها و منشأ تمام گناهان است و کسی که شراب می خورد، عقل خود را از دست می دهد و در آن هنگام خدا را نمی شناسد و از ارتکاب هیچ گناهی باک نداشته و هیچ حرمتی را نگاه نمی دارد، حق نزدیکان را رعایت نکرده و هتک می کند و از انجام زشتیهای آشکار روی گردان نیست و روح ایمان از روح و بدن او خارج می شود و روح پلیدی و خبیثی که از رحمت خدا دور است، در او می ماند و خدا، فرشتگان، رسولان و مؤمنان به او لعنت می فرستند، تا چهل روز نماز او پذیرفته نیست و روز قیامت رویش سیاه می شود و زبانش از دهانش بیرون می آید و آب دهانش به سینه اش می ریزد و فریاد تشنگی او بلند است¹ و روایات زیادی در کتابهای دیگر و کتاب مذکور وارد شده که علاقه مندان می توانند به آنها رجوع کنند.

﴿مسئله 3805﴾ کسی که شراب بخورد و تا صبح بخواهد، هر وقت بیدار شد، مستحب است غسلی مانند غسل جنابت بجای آورد و در بعضی روایات آمده است که توبه شراب خمر و کارهای خوب و پسندیده ای که از او صادر می شود، مورد قبول واقع نمی شود مگر آنکه این غسل را انجام دهد و نیت این غسل چنین است: غسل می کنم برای توبه از شرب خمری که انجام داده ام.

﴿مسئله 3806﴾ نشستن سر سفره ای که در آن شراب می نوشند، طوری که انسان یکی از آنان محسوب شود حرام است و چیز خوردن از آن سفره جایز نیست، اگرچه خود غذا حلال باشد.

﴿مسئله 3807﴾ کسی که در اثر گرسنگی یا تشنگی به حد اضطراب رسیده و چیزی حلال به دست نمی آورد، جایز است در حدی که خطر را از خود دفع کند از آن چیز حرام بخورد و بیاشامد و اگر به خاطر اضطراب از مال دیگری چیزی بخورد، گناه نکرده است مشروط بر آنکه از مقدار ضرورت بیشتر نباشد و عوض آن را به صاحبش بدهد.

﴿مسئله 3808﴾ بر هر مسلمانی واجب است به مسلمان دیگری که در اثر گرسنگی یا تشنگی در حال مرگ است، آب یا غذا بدهد.

﴿مسئله 3809﴾ خوردن و استفاده کردن از مال دیگری اگرچه کافری باشد که مالش محترم است مانند اهل کتاب، بدون رضایت او حرام است و در روایات اسلامی وارد شده که اگر کسی از طعامی بخورد که به آن دعوت نشده مانند این است که تکه ای از آتش را خورده است.²

﴿مسئله 3810﴾ خوردن و آشامیدن از منزل یا باغ بستگان نزدیک نسبی انسان مانند پدر، مادر، خواهر، برادر، عمو، عمه، دایی، خاله، فرزند همسر و همچنین دوستان و اصدقاتی که منزل و محل

1. وسائل الشیعه، ج 25، چاپ آل البیت، کتاب الاطعمه والاشربة، باب 12، از ابواب اشربة المحرمة، ح 11، ص 317 و ح

13 باب 13 ص 321 و ح 8 از باب 11 ص 312 و ح 4 از باب 9 ص 297.

2. وسائل الشیعه، چاپ آل البیت، ج 24، باب 63، ح 1.

کار خود را به انسان واگذار کرده‌اند، در صورتی که انسان اطمینان یا گمان به عدم رضایت آنان نداشته باشد حلال و جایز است اگرچه احتیاط آنست که این حکم به منزل اختصاص پیدا کند.

احکام سر بریدن و شکار حیوانات

﴿مسئله 3811﴾ اگر حیوان حلال گوشت را به دستوری که بعداً می‌آید، سر ببرند، گوشت آن حلال و بدن آن پاک است، چه حیوان وحشی باشد و چه اهلی، مگر آنکه حیوان در اثر نجاست‌خواری طوری شده باشد که به‌طور متعارف به آن نجاست‌خوار بگویند - مادامی که استبراء نکرده باشند - یا حیوانی که با آن نزدیکی کرده‌اند و یا گوسفندی که از شیر خوک آن‌قدر خورده که با آن بزرگ شده است، در این صورت سه‌گانه بعد از سر بریدن، گوشت آن حیوان حلال نیست.

﴿مسئله 3812﴾ اگر حیوان حلال گوشت وحشی است مانند آهو، بز کوهی، کبک یا حیوان حلال گوشتی را که قبلاً اهلی بوده ولی حالا وحشی شده است را مطابق دستوری که گفته خواهد شد، شکار کنند، پاک و حلال است، ولی حیوان حلال گوشت اهلی مانند گوسفند، مرغ خانگی یا حیوان حلال گوشتی که قبلاً وحشی بوده ولی به سبب تربیت اهلی شده، با شکار کردن پاک و حلال نمی‌شود.

﴿مسئله 3813﴾ حیوان حلال گوشت وحشی در صورتی با شکار حلال می‌شود که بتواند فرار یا پرواز کند، بنابراین بچه آهو یا بچه کبک و کبوتر که نمی‌تواند پرواز کند با شکار کردن حلال نمی‌شود و اگر آهو و بچه‌اش را که نمی‌تواند فرار کند با یک تیر شکار کنند، آهو حلال ولی بچه‌اش حرام است.

﴿مسئله 3814﴾ حیوان حرام گوشتی که خون جهنده ندارد، مانند مار، با سر بریدن و ذبح حلال نمی‌شود ولی مرده آن پاک است چه خود بمیرد و چه آن‌را کشته باشند.

﴿مسئله 3815﴾ سگ و خوک که نجس‌العین می‌باشند، با سر بریدن و شکار شدن، نه پاک می‌شوند و نه گوشتشان حلال می‌شود، اما حیوان پاک که حرام گوشت، درنده و گوشت‌خوار است، مانند گرگ، شیر و پلنگ، اگر مطابق دستوری که گفته خواهد شد سر ببرند یا با تیر و مانند آن شکار کنند پاک خواهد شد، ولی خوردن گوشت آنها حرام است و اگر با سگ شکاری آنها را شکار کنند، پاک شدن بدن و پوستشان محل اشکال است و احوط اجتناب است.

﴿مسئله 3816﴾ حیواناتی مانند فیل، خرس و میمون که «مُسوخ»¹ شمرده شده‌اند و نیز موش و

1. مُسوخ، جمع مسخ که عبارت است از تغییر صورت و شکل ظاهری موجود زنده به صورت و شکل بدتر. در منابع قرآنی و حدیثی آمده است که در دوران گذشته انسانهایی به خاطر اعمال زشتشان مسخ شده‌اند. خوک، فیل و گرگ از این دسته موجودات هستند که جزء مسوخ بوده و استفاده از گوشت آنها به هر حال در اسلام ممنوع شده و این

خزندگان مانند مار و سوسمار و حشراتی که در داخل زمین زندگی می‌کنند، اگر خون جهنده داشته باشند، اگر خود به خود بمیرند نجسند و اگر سر آنها را هم ببرند، اقوی آنست که تزکیه شدنی نیستند، بنابراین پاک نمی‌شوند.

﴿مسئله 3817﴾ حیوان حلال گوشتی مانند ماهی که خون جهنده ندارد، اگر به خودی خود و قبل از صید بمیرد پاک است، ولی گوشت آن حرام است، اگرچه صیاد ببیند ماهی در بیرون آب در حال اضطراب و تکان خوردن است، چون صید ماهی ملاک است و در این حالت ماهی صید نشده است.

﴿مسئله 3818﴾ اگر از شکم حیوان زنده بچه‌ای، مرده به دنیا بیاید یا آن را مرده از شکم مادرش بیرون بیاورند، آن حیوان اگر خون جهنده داشته باشد هم حرام و هم نجس است، ولی اگر خون جهنده نداشته باشد نجس نیست، ولی خوردنش حرام است.

﴿مسئله 3819﴾ اگر حیوانی را شکار کنند یا سر ببرند و بچه‌ای زنده از شکمش بیرون بیاید، در صورتی که آن بچه را مطابق دستوری که در شرع معین شده سر ببرند حلال و پاک، و گرنه حرام است.

﴿مسئله 3820﴾ اگر حیوانی را شکار کنند یا سر ببرند و بچه‌ای مرده از شکمش بیرون بیاورند، در صورتی که خلقت آن کامل شده باشد و مو یا پشم در بدنش رویده باشد و در اثر کشته شدن مادر مرده باشد، پاک و حلال است، ولی اگر قبل از کامل شدن یعنی پیش از رویدن مو یا پشم و یا قبل از کشته شدن مادرش، مرده باشد، هم حرام است و هم نجس.

دستور سر بردن (ذبح) حیوان و احکام آن

﴿مسئله 3821﴾ دستور سر بردن حیوان این است که چهار رگ بزرگ یعنی نای (راه تنفس)، مری (راه غذا و آب) و دو شاه‌رگ حیوان را، از زیر برآمدگی گلوئی آن - طوری که برآمدگی روی سر باقی بماند و نه روی بدن - به‌طور کامل و متصل و پی در پی ببرند و سر را از بدن جدا کنند؛ اگر آن چهار رگ را بشکافند و جدا نکنند، بنا بر اقوی کفایت نمی‌کند.

﴿مسئله 3822﴾ اگر در ذبح حیوان، بعضی از چهار رگ را ببرند و صبر کنند تا بمیرد و بعد بقیه را ببرند، ذبح شرعی صدق نمی‌کند. حتی اگر به این مقدار هم صبر نکنند و طوری با تانی سر ببرند که در نظر عرف بریدن رگهای چهارگانه عمل واحد به حساب نیاید، اگرچه پیش از جان دادن

ممنوعیت، بیشتر بار تربیتی دارد و به خاطر گناهایی است که این موجودات به خاطر آنها مسخ شده‌اند. آیات 65 سوره بقره، 60 سوره مائده و 166 سوره اعراف اشاره به این معنا دارند. (در وسائل الشیعه، ج 24، باب 2 از ابواب اطعمه حرام، بیش از 20 حدیث در این باره آمده است)

حیوان بقیه آن را هم ببرند، اشکال دارد و نمی شود آن را خورد.

﴿مسئله 3823﴾ واجب است چهار رگ حیوان را به شکل متعارف ببرند، بنابراین اگر حیوان را از پشت، سر ببرند، اگر چه تمام رگهای آن بریده شود، در ذبح شرعی کفایت نمی کند. ولی اگر کارد را در گلوی حیوان فرو برند و از زیر به طرف بالا بکشند تا چهار رگ آن بریده شود، اگر چه اقوی آنست که کفایت می کند، ولی احتیاط اکید و شدید آنست که از آن اجتناب شود.

﴿مسئله 3824﴾ اگر کسی که حیوان را سر می برد اشتباه کند و سر حیوان را از بالای برآمدگی گلو ببرد و برآمدگی روی بدن بماند طوری که رگها بریده نشوند، اگر حیوان جان داده باشد، حرام است و باید از آن اجتناب کرد و اگر هنوز جان نداده باشد و جان دارد به طوری که بریدن رگهای چهارگانه در جان دادن او اثر دارد و پس از بریدن رگها، حیوان دست و پایش را به حرکت درمی آورد، در این صورت اگر بلافاصله اقدام کند و از زیر برآمدگی گلو، حیوان را ذبح کند، حیوان حلال می شود.

﴿مسئله 3825﴾ اگر گرگ و هر حیوان درنده، گلوی گوسفند را طوری بدرد که هر چهار رگ که باید در ذبح بریده شود از بین برود، آن حیوان میتة و حرام است، ولی اگر آن رگها سالم بماند یا مقداری از رگها را برده و از هر رگی مقداری باقی بماند یا اینکه بعضی از رگها سالم باشد، طوری که حیوان هنوز جان داشته باشد - به نحوی که سر بریدن حیوان در جان دادن آن مؤثر واقع شود و بعد از سر بریدن دست و پایش حرکت کند - در این صورت اگر مطابق دستور شارع مقدس سر ببرد، هم پاک و هم حلال می شود.

﴿مسئله 3826﴾ احتیاط واجب آنست که قبل از جان دادن پوست حیوان ذبح شده را از بدنش جدا نکنند و اگر کنند گوشت آن را نخورند و نیز قبل از جان دادن، مغز حرام را - که در تیره پشت حیوان قرار دارد - نبرند و سر حیوان را هم جدا نکنند، بلکه اگر عمداً مغز حرام را ببرند یا سر حیوان را جدا کنند محل اشکال است، ولی اگر به خاطر تیزی کارد یا به خاطر غفلت، بی اختیار مغز حرام و یا سر حیوان جدا شود، اشکال ندارد و خوردن گوشت آن حلال است.

شرایط سر بریدن حیوان

﴿مسئله 3827﴾ سر بریدن حیوان دارای شرایط زیر است:

- 1- کسی که حیوان را سر می برد چه زن باشد و چه مرد باید مسلمان باشد، ناصبی - کسی که اهل بیت رسول خدا ﷺ را دشمن می دارد - نباشد. بچه مسلمان که خوب و بد را تشخیص می دهد و کیفیت سر بریدن را می داند، جایز است سر حیوان را ببرد.
- 2- سر حیوان را با چیزی ببرد که از جنس آهن باشد، ولی اگر جنس آهن پیدا نشود و طوری باشد که اگر سر حیوان را نبرند می میرد، در این صورت با هر وسیله تیزی که چهار رگ را ببرد و سر را از بدن جدا کند مانند شیشه تیز یا سنگ تیز، جایز است سر حیوان را ببرند.

3- موقع سر بریدن، صورت، دست، پا و شکم حیوان رو به قبله باشد، ولی ذبح کننده لازم نیست رو به قبله باشد اگر چه بهتر است. کسی که حیوان را سر می برد باید با عمد و علم و توجه حیوان را رو به قبله کند و اگر عمداً این کار را نکند حیوان حرام می شود و خوردن آن جایز نبوده و گوشت آن نجس است، ولی اگر قبله را فراموش کند یا در تشخیص آن اشتباه کند یا جهت قبله را نداند و نتواند سؤال کند و یا جاهل به مسئله باشد یا اینکه نتواند حیوان را رو به قبله کند، مثلاً حیوان در چاه باشد، در تمامی این موارد هر طور ذبح کند، اشکال ندارد.

4- وقتی که می خواهد سر حیوان را ببرد یا کارد به گلویش بگذارد باید به نیت سر بریدن، نام خدا را به زبان جاری سازد و همین اندازه که بگوید بسم الله، کفایت می کند و اگر بدون قصد بریدن نام خدا را بر زبان بیاورد آن حیوان حلال نمی شود و گوشتش حرام است، ولی اگر فراموش کند و نام خدا را بر زبان نیاورد اشکال ندارد، ولی بهتر است هر وقت یادش آمد بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ عَلَىٰ أَوَّلِهِ وَآخِرِهِ».

5- حیوان پس از سر بریدن حرکتی نکند، اگر چه مثلاً چشم یا دم خود را تکان دهد یا پای خود را بر زمین زند که معلوم شود زنده است، در این صورت نیازی به خروج خون به صورت متعادل نیست اگر چه خون خارج نشود و یا اگر خارج شود به صورت ثقیل و قطره قطره خارج شود. با علم به حیات حیوان از طریق حرکت دادن پا و دم و چشم، تذکیه تحقق می یابد. اگر حرکت نکند ولی خون به صورت متعادل خارج شود ظاهر آنست که کفایت می کند اگر چه احتیاط آنست که حرکت صورت گیرد. این علامت در صورتی است که علم به زنده بودن حیوان نداشته باشد، ولی در صورت علم به زنده بودن حیوان از طریق خروج خون به صورت معتدل، هیچ اشکالی ندارد.

6- بنا بر احتیاط واجب قبل از بیرون آمدن روح، عمداً سر حیوان را از بدن جدا نسازند و نیز رگ سفیدی که از مهره های گردن تا دم حیوان ادامه دارد و به آن نخاع و مغز حرام می گویند را قطع نکنند و همچنین قبل از بیرون آمدن روح، پوست حیوان را از بدن جدا نسازند.

«مسئله 3828» برای خوابانیدن حیوان در حال ذبح کیفیت خاصی ذکر نشده و معتبر نیست و فرقی نمی کند حیوان را به جانب راست بخوابانند یا چپ و در هر صورت جلوی بدن حیوان، همان طور که گذشت باید رو به قبله باشد.

«مسئله 3829» گفتن «بِسْمِ اللَّهِ» به وسیله شخص دیگر غیر از ذابح یا ضبط صوت و امثال آن کفایت نمی کند.

«مسئله 3830» لازم نیست ذبح کننده با اختیار ذبح کند، بلکه اگر با رعایت تمام شرایط شرعی حیوان را ذبح کند، اگر چه با اکراه باشد، پاک و حلال است. در ذکر نام آنچه که لازم است اینکه بِسْمِ اللَّهِ به قصد ذبح گفته شود اگر چه اعتقاد گوینده بر لزوم و وجوب آن نباشد، بنابراین اگر ذابح معتقد باشد گفتن بِسْمِ اللَّهِ موقع ذبح مستحب است و واجب نیست و در عین حال به قصد ذبح بگوید و حیوان را سر ببرد کفایت می کند.

﴿مسئله 3831﴾ فولاد از جنس آهن است و استیل نیز همین طور، بنابراین سر بریدن حیوان با آنها اشکال ندارد، ولی اگر چیزهایی باشد که آهن به شمار نروند و به خاطر مسامحه و جهالت به آنها آهن گفته شود، سر بریدن با آنها در غیر حال ضرورت، صحیح نیست.

﴿مسئله 3832﴾ سر بریدن با ماشینها و دستگاه‌های برقی که اخیراً متداول شده که در فاصله کوتاه چند هزار مرغ یا گوسفند را سر می‌برد، اگر تمام شرایط شرعی، مانند رو به قبله بودن، بسم الله گفتن، مسلمان بودن کسی که دگمه دستگاه را فشار می‌دهد، از طرف جلو بریدن و از آهن بودن وسیله سر بریدن، رعایت شود، جایز است و لازم نیست برای هر کدام یک بسم الله بگوید، بلکه اگر وقتی که دگمه را فشار می‌دهد و با گفتن بسم الله، ذبح چند حیوان را قصد کند و بسم الله را به قصد آنها بگوید، همه آنها تذکیه شده و حلال می‌شود، مشروط بر آنکه عرفاً ذبح همه آنها در یک زمان باشد ولی اگر به تدریج و با فاصله ذبح شوند، برای هر کدام یک بسم الله بگویند.

﴿مسئله 3833﴾ اگر حیوان را به وسیله دستگاه یا هر چیز دیگری قبل از ذبح بی‌حس کنند اگر به‌طور کامل نباشد و مانع خروج خون در حد متعارف از حیوان پس از ذبح نشود، مانعی ندارد و در غیر حال ناچاری و ضرورت، باید از وارد کردن ضربه گیج کننده بر سر حیوان قبل از سر بریدن در صورتی که موجب اذیت حیوان باشد، خودداری شود و در هر صورت موجب حرام شدن گوشت حیوان نمی‌شود.

﴿مسئله 3834﴾ گوشتهایی که در بازار مسلمین به فروش می‌رسند و ذبح آنها به‌طور معمول به وسیله مسلمان صورت می‌گیرد حلال و پاک است و تحقیق و سؤال لازم نیست و بلکه مستحب هم نبوده و مکروه است. اما گوشتها و مرغهای سر بریده‌ای که از کشورهای غیر اسلامی وارد می‌شود، تنها در صورتی حلال و پاک خواهد بود که ثابت شود ذبح به وسیله مسلمان انجام گرفته است.

﴿مسئله 3835﴾ ملاک در کشور اسلامی بودن و نبودن اکثریت مسلمان در آنست. اگر حکومت اسلامی نباشد، ولی اکثریت مسلمان باشد، محکوم به اسلامیت است طوری که در نزد عرف، کشور را به ایشان نسبت دهند و در مواردی که نسبت مساوی باشد، حکم کشور اسلامی بر آن مترتب نیست.

﴿مسئله 3836﴾ اگر حیوان سرکش شود و انسان نتواند آن را مطابق دستور شرع اسلام ذبح یا نحر کند و یا مثلاً حیوان در چاه بیفتد و احتمال دهد آن حیوان در چاه بمیرد و کشتن آن مطابق دستور شرع ممکن نباشد، اگر با چیز برنده‌ای مانند نیزه، شمشیر و چاقو به بدن حیوان بزنند و در اثر زخم حیوان جان دهد، حلال می‌شود، اگرچه ذبح در غیر شتر، نحر در شتر و رو به قبله بودن رعایت نشده باشد ولی شرایط دیگر مانند بسم الله گفتن، مسلمان بودن ذابح و ناجر و دیگر شرایطی که ممکن است فراهم گردد و برای سر بریدن حیوان شرعاً لازم است، باید مراعات شود.

دستور کشتن شتر

﴿مسئله 3837﴾ در کشتن شتر واجب است علاوه بر رعایت 6 شرطی که در مسئله 3827 گفته

شد، کارد یا چیزی را که مانند نیزه تیز باشد و جنس آن نیز از آهن باشد، در گودی میان گردن و سینه شتر فرو کنند - نحر - و بهتر است شتر در هنگام نحر ایستاده باشد. اگر هم در حالی که زانوها را به زمین زده یا به پهلو خوابیده ولی جلو بدنش رو به قبله است، کارد را در گلویش فرو کنند، اشکال ندارد.

﴿مسئله 3838﴾ هنگام کشتن شتر اگر به جای آنکه کارد یا مانند آن را در گودی گردن شتر فرو کنند، سرش را ببرند و در گاو و گوسفند به جای اینکه سرشان را ببرند آنها را نحر کنند، گوشت آنها حرام و بدنشان نجس می شود، منتها اگر چهار رگ شتر را ببرند و چندی که زنده است مطابق دستوری که در مسئله پیش گفته شد آن را نحر کنند طوری که فرو بردن کارد در گودی گردن باعث جان دادن آن شود و دست و پایش حرکت کند یا اینکه خون به طور معتدل خارج شود، گوشت آن حلال و بدنش پاک می شود و نیز در صورتی که کارد یا مانند آن را در گودی گردن گاو، گوسفند و مانند آنها فرو کنند و تا زنده است سرش را ببرند مطابق همان دستوری که در مسئله 3827 گفته شد، گوشت آنها حلال و بدنشان پاک می شود.

مستحبات و مکروهات سر بریدن حیوان

﴿مسئله 3839﴾ چند چیز در سر بریدن حیوان مستحب است:

- 1- هنگام سر بریدن گوسفند همان طور که مشهور است دو دست و یک پایش را ببندند و یک پایش را باز بگذارند و در سر بریدن گاو هر چهار دست و پایش را ببندند و دم آن را باز بگذارند و هنگام سر بریدن شتر دو دست آن را از پایین تا زانو یا تا زیر بغل به یکدیگر ببندند و پاهایش را باز بگذارند و مرغ را مستحب است بعد از سر بریدن رها کنند تا پرواز بال بزند.
- 2- کسی که حیوان را می کشد مطابق احتیاط، رو به قبله باشد.
- 3- مطابق نظر مشهور قبل از کشتن حیوان جلوی آب بگذارند.
- 4- کاری کنند که حیوان کمتر اذیت شود، مثلاً کارد را خوب تیز کنند و با عجله سر حیوان را ببرند.

5- قبل از سر بریدن و پس از آن چندی که جان دارد، اذیتش نکنند.

﴿مسئله 3840﴾ چند چیز در سر بریدن حیوان مکروه است:

- 1- در جایی حیوان را بکشند که حیوان دیگر ببیند.
- 2- در شب یا پیش از ظهر روز جمعه حیوان را سر ببرند، مگر در صورت ضرورت و احتیاج که در این صورت کراهت ندارد.
- 3- خود انسان حیوانی را که پرورش داده ذبح کند.

شرایط شکار با سلاح و احکام آن

﴿مسئله 3841﴾ حیوان حلال گوشت وحشی را اگر با سلاح شکار کنند، با رعایت شرایط زیر

پاک و حلال می‌شود:

1- اسلحه شکاری مانند کارد و شمشیر، برنده یا مانند نیزه و تیر، تیز باشد که در اثر تیزی، بدن حیوان را پاره کند، بنابراین اگر به وسیله دام، چوب، سنگ و مانند آن حیوان را شکار کنند و حیوان بمیرد، پاک نمی‌شود و خوردن گوشت آن نیز حرام است، مگر آنکه آنرا زنده به دام بیندازند و ذبح کنند که در این صورت پاک شود و حلال است. اگر حیوانی را با تفنگ شکار کنند اگر گلوله آن قدر تیز باشد که به بدن حیوان فرو رود و آنرا پاره کند، هم پاک است و هم حلال. اگر تیز نباشد، بلکه در اثر فشار در بدن حیوان فرو رفته و آنرا پاره کند، اظهار آنست که اطلاق روایات، آنرا شامل است، هم پاک می‌شود و هم حلال است، اما اگر گلوله به خاطر فشار به بدن حیوان فرو نرود، بلکه به سبب حرارتی که دارد محل اصابت را بسوزاند و در اثر حرارت حیوان بمیرد، پاک و حلال شدن آن خالی از اشکال نیست؛ اگر چه شمول اطلاقات به این مورد هم خالی از قوت نیست، کما اینکه اگر وسیله شکار گلوله نداشته باشد بلکه از ساچمه استفاده شود، به نظر می‌رسد شمول اطلاقات قاصر نیست اگر چه احتیاط آنست که در این صور اجتناب شود.

2- شکار کننده مانند ذابح باید مسلمان باشد، ناصبی نباشد و اگر مسلمان زاده باشد - اگر چه بچه‌ای که به حد بلوغ نرسیده ولی خوب و بد را می‌فهمد و تشخیص می‌دهد - کفایت می‌کند.

3- اسلحه را برای شکار آن حیوان به کار ببرد، بنابراین اگر جای دیگری را نشانه‌گیری کند یا حیوان دیگری را هدف‌گیری کند و تصادفاً به این حیوان بخورد و آنرا بکشد، پاک و حلال نمی‌شود. همچنین اگر مثلاً با اسلحه بازی می‌کرده و یا آنرا امتحان می‌کرده و به‌طور تصادفی به حیوان بخورد و آنرا بکشد، پاک و حلال نمی‌شود.

4- وقتی که می‌خواهد اسلحه را برای شکار به کار ببرد، بِسْمِ اللّٰهِ بگوید، بنابراین اگر عمداً نام خدا را نگوید، شکار پاک و حلال نمی‌شود، ولی اگر بر اثر فراموشی نگوید، اشکال ندارد.

5- وقتی که شکارچی به حیوان می‌رسد حیوان مرده باشد یا به اندازه سر بریدن وقت نباشد و اگر وقت به اندازه سر بریدن باقی باشد باید مطابق دستوری که برای سر بریدن گفته شد، عمل کند و اگر شکارچی وقتی سر برسد که حیوان زنده باشد و وقت کافی هم برای ذبحش موجود باشد و در عین حال صبر کند تا حیوان بمیرد، گوشت آن حرام و نجس است.

﴿مسئله 3842﴾ اگر دو نفر حیوانی را شکار کنند و یکی از آنها مسلمان و دیگری کافر باشد و یا هر دو مسلمان باشند ولی یکی بِسْمِ اللّٰهِ بگوید و دیگری نگوید، آن حیوان حلال و پاک نمی‌شود.

﴿مسئله 3843﴾ اگر بعد از آنکه حیوان را با تیر زدند در آب بیفتند یا از کوه پرت شود و انسان علم پیدا کند که آن حیوان هم به سبب تیر و هم افتادن در آب یا پرت شدن از کوه جان داده است، حلال و پاک نمی‌شود، بلکه اگر مشکوک هم بشود که تنها با تیر کشته شده یا نه، باز هم حلال و پاک نمی‌شود.

احکام و شرایط شکار با سنگ شکاری

﴿مسئله 3844﴾ هرگاه سنگ شکاری، حیوان حلال گوشت وحشی را شکار کند، با شرایط زیر آن حیوان پاک و حلال می‌شود:

1- حیوان تربیت شده باشد طوری که هرگاه آن را برای شکار بفرستند برود و هرگاه باز دارند، بایستد ولی اگر موقع نزدیک شدن به شکار باز دارند و نایستد، ایرادی ندارد. احتیاط آنست که - همان طور که مشهور گفته‌اند - اگر سنگ عادتش این باشد که قبل از رسیدن صاحبش مقداری از شکار را می‌خورد، از آن اجتناب شود، ولی اگر از گوشت شکار تا رسیدن صاحبش چیزی نمی‌خورد و در صورت خوردن هم به ندرت می‌خورد یا از گوشتش نمی‌خورد، بلکه از خونش می‌خورد، اشکال ندارد.

2- صاحب شکار سنگ را برای شکار بفرستد؛ بنابراین اگر سنگ خودسرانه به شکار برود و شکاری بیاورد، حرام و نجس است، بلکه اگر سنگ خودسرانه دنبال شکار برود و بعد صاحبش بانگ بزند که زودتر به آن شکار برسد ولو اینکه به سبب صدای صاحبش شتاب کند، احتیاط واجب آنست که از خوردن آن شکار اجتناب شود و آنچه معتبر است این است که نیت اصل و کلی شکار را بکند و سنگ را بفرستد، بنابراین اگر سنگ را برای شکار آهویی بفرستد و آن آهو فرار کند و سنگ آهوی دیگری را شکار کند کفایت می‌کند کما اینکه اگر به جای یکی دو تا شکار کند حلال است.

3- کسی که سنگ را برای شکار می‌فرستد مسلمان باشد و اگر بچه نابالغ مسلمان زاده که خوب و بد را می‌فهمد، نیز بفرستد، کفایت می‌کند، بنابراین اگر کافر یا مسلمان ناصبی سنگ را بفرستد، شکار نجس و حرام است.

4- هنگامی که سنگ را می‌فرستد نام خدا را بر زبان آورد و اگر فراموش کند و بسم الله نگوید ایرادی ندارد و اگر وقت فرستادن نگوید بلکه قبل از رسیدن سنگ به شکار بگوید، احوط و جوی - اگر اقوی نباشد - احتیاط از آنست.

5- شکار به سبب زخمی که از دندان سنگ پیدا می‌کند بمیرد؛ بنابراین اگر سنگ شکار را خفه کند یا در اثر دویدن زیاد یا ترس و یا هر دلیل دیگری بمیرد، نجس و حرام است.

6- شکارچی با سرعت متعارف خود را به شکار برساند.

7- وقتی که شکارچی می‌رسد حیوان مرده باشد، بنابراین اگر هنگام رسیدن حیوان زنده بوده و به اندازه سر بریدن وقت باشد، مثلاً حیوان چشم یا گوشه‌هایش را تکان می‌دهد و یا پاهایش را به زمین می‌زند، باید حیوان را سر ببرد و اگر نبرد و حیوان بمیرد هم گوشتش حرام و هم نجس است. ﴿مسئله 3845﴾ اگر کسی که سنگ را برای شکار فرستاده وقتی برسد که بتواند حیوان را سر ببرد باید سر حیوان را ببرد، چنانچه به طور معمول و با شتاب کارد را بیرون آورد و مسامحه از خود نشان ندهد، ولی به سبب بیرون آوردن کارد و مانند آن وقت ذبح بگذرد و حیوان بمیرد، حلال است

ولی اگر در اثر آماده نکردن وسیله ذبح با اینکه موجود بوده، وقت ذبح بگذرد و نوعی مسامحه صورت گیرد، احوط و جویی آنست که از آن اجتناب شود. ولی اگر چیزی همراه وی نباشد که با آن حیوان را سر ببرد و صبر کند تا سگ حیوان را بکشد، پاک و حلال است، اگر چه باید جای دهان سگ را بشوید.

﴿مسئله 3846﴾ اگر چند سگ را برای شکار رها کنند، چنانچه همه آنها شرایط شکار را داشته باشند، شکار حلال است، ولی اگر یکی از سگها دارای شرایط شکار نباشد آن شکار حرام و نجس است و اگر چند نفر با هم سگ را به شکار بفرستند و یکی از آنها کافر باشد یا همه مسلمان باشند، ولی یک نفر به عمد بسم الله نگوید، آن شکار حرام و نجس است.

﴿مسئله 3847﴾ اگر به وسیله باز شکاری یا حیوان دیگری غیر از سگ شکاری، حیوانی را شکار کنند، شکار حلال نمی شود، مگر آنکه شکارچی قبل از مرگ حیوان برسد و آنرا مطابق دستور شرع ذبح کند که در این صورت پاک و حلال می شود.

صید ماهی، ملخ و احکام آن

﴿مسئله 3848﴾ اگر ماهی فلس دار را زنده از آب بگیرند و بیرون از آب جان دهد، هم پاک و هم حلال است، ولی اگر در آب بمیرد پاک است اما خوردنش حرام است، اگر صیاد تور ماهی گیری را در آب بیندازد و بعضی از ماهیها پس از افتادن در تور یا هنگام بیرون آوردن از تور بمیرند، بنا بر اقوی پاک و حلال است، اگر چه احتیاط اجتناب است. ماهی بدون فلس - پولک - اگر چه زنده از آب گرفته شود و بیرون از آب بمیرد خودش پاک، ولی خوردنش حرام است.

﴿مسئله 3849﴾ اگر ماهی پولک دار از آب بیرون افتد یا موج آب آنرا بیرون اندازد و یا آب فرو رود و ماهی پولک دار در خشکی بماند، چنانچه قبل از مردن، کسی با دست یا به هر وسیله ای آنرا بگیرد و سپس جان دهد، پاک و حلال است.

﴿مسئله 3850﴾ کسی که ماهی را می گیرد لازم نیست مسلمان باشد و لازم نیست موقع صید نام خدا را بر زبان آورد، ولی مسلمان باید بداند که آنرا زنده از آب گرفته و بیرون آب جان داده است.

﴿مسئله 3851﴾ ماهی مرده ای که معلوم نیست آنرا چگونه از آب گرفته اند، اگر در دست مسلمان باشد حلال است و اگر در دست کافر باشد اگر چه بگوید زنده گرفته ام، حرام است مگر اینکه خودش یقین پیدا کند یا دو شاهد عادل شهادت دهند که ماهی را زنده از آب گرفته و خارج از آب مرده است. بنابراین استفاده از کنسروهایی که در کشورهای غیر مسلمان تهیه می شود در صورتی برای مسلمانان مصرف آن بدون اشکال است که اطمینان پیدا کنند که آنها را زنده گرفته اند و در خارج آب مرده اند.

﴿مسئله 3852﴾ خوردن ماهی زنده مانعی ندارد، اگر چه ترک آن بهتر است.

﴿مسئله 3853﴾ اگر ماهی زنده را بریان کنند یا در بیرون آب پیش از آنکه خودش جان دهد آنرا بکشند، خوردن آن اشکال ندارد اگر چه بهتر است خورده نشود.

﴿مسئله 3854﴾ اگر ماهی را بیرون آب به دو قسمت کنند و یک قسمت آن در حالی که زنده است در آب بیفتد، خوردن آن قسمتی که بیرون آب است مانعی ندارد، گر چه بهتر است خورده نشود.

﴿مسئله 3855﴾ اگر ملخ را با دست یا هر وسیله دیگری زنده بگیرند، خوردن آن پس از جان دادن جایز است و لازم نیست کسی که آنرا می گیرد مسلمان باشد و لازم نیست موقع گرفتن نام خدا را بر زبان جاری سازد و اگر ملخ قبل از صید بمیرد حرام می شود و اگر ملخ مرده ای در دست کافری باشد و معلوم نباشد که آنرا زنده گرفته یا مرده، حلال نیست اگر چه بگوید زنده گرفته ام، مگر آنکه آسان یقین پیدا کند یا دو شاهد عادل خبر دهند که راست می گوید که در این صورت حلال است.

﴿مسئله 3856﴾ ملخی که نال در نیاورده و نمی تواند پرواز کند، خوردنش حرام است.

مستحبات و مکروهات خوردن و آشامیدن

الف - مستحبات غذا خوردن

﴿مسئله 3857﴾ موقع غذا خوردن مستحب است چند چیز را رعایت کند:

- 1- قبل از شروع به خوردن دستها را بشوید و با حوله خشک نکنند و پس از غذا بشوید و خشک کند.
- 2- در آغاز غذا بسم الله بگوید و اگر چند نوع غذا سفره وجود دارد، هنگام خوردن از هر کدام از آنها بسم الله بگوید.
- 3- میزبان قبل از همه شروع به غذا کند و پس از همه دست بکشد.
- 4- اگر چند نفر سر یک سفره نشسته اند، هر کس از غذایی که جلوی خود اوست غذا بخورد و به غذایی که در مقابل دیگران است دست دراز نکند.
- 5- با دست راست غذا بخورد.
- 6- اگر با دست غذا می خورد با سه انگشت یا بیشتر غذا بردارد و با دو انگشت نخورد.
- 7- لقمه ها را کوچک بردارد و غذا را خوب بجود.
- 8- سر سفره زیاد نشسته و غذا خوردن را طول بدهد.
- 9- در اول و آخر غذا کمی نمک بخورد.
- 10- وقتی که دست از غذا می کشد، حمد و سپاس خدای را بجای آورد.
- 11- پس از غذا خلال یا مسواک کند.
- 12- اگر در منزل باشد، آنچه از سفره بیرون ریخته را جمع کند و با رعایت بهداشت بخورد و

- اگر در بیابان باشد برای پرندگان، درندگان و حیوانات رها کند.
- 13- پس از غذا به پشت بخوابد و پای راست را روی پای چپ بیندازد.
- 14- در آغاز روز و آغاز شب غذا بخورد و از غذا خوردن در میان روز و شب اجتناب کند.
- 15- میوه را پیش از خوردن بشوید.
- 16- وقتی که می‌خواهد آغاز به خوردن غذا کند از جوانب آن شروع کند و از وسط غذا شروع نکند.
- 17- در سفره سبزیجات خوردنی گذاشته شود.

ب- مکروهات غذا خوردن

﴿مسئله 3858﴾ موقع خوردن غذا چند چیز مکروه است:

- 1- در حال سیری غذا خوردن.
- 2- پر خوری کردن؛ در خبر است که خدای متعال بیش از هر چیزی از شکم پر بدش می‌آید.¹
- 3- نگاه کردن به صورت دیگری در هنگام صرف غذا.
- 4- خوردن غذای داغ و فوت کردن به چیزی که می‌خورد یا می‌آشامد.
- 5- پس از گذاشتن نان در سفره انتظار چیز دیگری را کشیدن.
- 6- گذاشتن نان زیر چیزی مانند کاسه و بریدن آن با کارد.
- 7- تمیز کردن استخوان از گوشت طوری که در آن چیزی نماند.
- 8- جدا کردن پوست میوه در مواردی که می‌شود آن را با پوست خورد.
- 9- دور انداختن میوه قبل از آنکه به‌طور کامل خورده شود.

ج- مستحبات آشامیدن

﴿مسئله 3859﴾ در آشامیدن آب رعایت بعضی چیزها مستحب است:

- 1- آب را به صورت مکیدن بیاشامد.
- 2- در روز ایستاده آب بخورد.
- 3- قبل از آشامیدن «بِسْمِ اللَّهِ» و بعد از آن «الْحَمْدُ لِلَّهِ» بگوید.
- 4- آب را با سه نفس و با میل بیاشامد.
- 5- پس از آشامیدن آب بر امام حسین علیه السلام و بر اهل بیت و یاران ایشان درود فرستد و بر قاتلان و معاندان آن امام مظلوم علیه السلام لعنت و نفرین کند.

1. وسائل الشیعه، ج 24، باب 1 از ابواب آداب مائده، ص 239، ح 1.

د- مکروهات آشامیدن

﴿مسئله 3860﴾ در آشامیدن آب چند چیز مکروه است:

- 1- زیاد آشامیدن.
- 2- آشامیدن آب در شب در حال ایستاده.
- 3- آشامیدن آب با دست چپ.
- 4- آشامیدن پس از غذای چرب.
- 5- آشامیدن از جای شکسته ظرف آب، لیوان باشد یا کوزه و یا هر ظرف دیگر و نیز آب خوردن از آن قسمت ظرف آب که دسته ظرف آنجا قرار دارد.

ظروف و احکام آنها¹

﴿مسئله 3861﴾ خوردن و آشامیدن و یا هر نوع استعمالی که در آن طهارت شرط است با ظروفی که از پوست سگ و خوک و یا مردار ساخته شده، حرام است و بهتر آنست که از چرم سگ و خوک و مردار حتی اگر ظرف هم نباشد اجتناب شود.

﴿مسئله 3862﴾ ظروفی که در ساختن شراب و مسکرات و چیزهای نجس دیگر که نوعاً نجاستشان سرایت کننده است به کار می‌روند، پس از شستن و تطهیر با آن شرایطی که در باب خودش گذشت، استعمالشان اشکال ندارد.

﴿مسئله 3863﴾ خوردن و آشامیدن از ظروف طلا و نقره و هر گونه استعمال آنها حرام است، اما تزئین با طلا و نقره در صورتی که از مصادیق استعمال باشد حرام و اگر از مصادیق استعمال نباشد بنا بر احتیاط واجب باید اجتناب شود و در صورتی که بخواهند ظروف طلا و نقره را نگاه دارند و از آنها استفاده و نکنند، حرام نیست، گرچه بهتر است از نگاه داشتن آنها نیز خودداری شود.

﴿مسئله 3864﴾ اگر فلز را با طلا و نقره مخلوط کنند و ظرف بسازند اگر عرفاً به آن ظرف طلا و نقره نگویند، استعمالش اشکال ندارد.

﴿مسئله 3865﴾ ظروفی که مورد استعمال قرار می‌گیرند و معلوم نیست که جنس آنها از طلا یا نقره است، استعمال آنها اشکال ندارد.

﴿مسئله 3866﴾ اگرچه استعمال ظروفی که بر روی آنها آب طلا یا نقره داده‌اند، اشکال ندارد، ولی احوط آنست که از استعمال آنها اجتناب شود.

1. احکام مربوط به خرید و فروش ظروف ساخته شده از فلزات خاص مانند طلا و نقره در بخش خرید و فروش آمده است.